

بجینا، نک: بجانه.

بجائی، ابوجعفر محمد بن اسحاق بجائی زوزنی (د ۴۶۳ق/ ۱۰۷۱م)، ادیب و قاضی. وی از جدش محمد بن حسین بجات نسب گرفته است؛ نسبت زوزنی نیز شهر خاستگاه او زوزن (میان هرات و نیشابور) را نشان می‌دهد (باخرزی، ۱۳۶۶/۲: قفطی، المحمدون...، ۱۵۱/۱: غزی، ۶۸۴: عبدالقادر، ۸۷/۳).

بجائی شاعر و ادیبی زبردست و نساخی ماهر بود، چندان که وی را زینت زوزن خوانده‌اند (تعالی، ۳۰/۲: یاقوت، ادبا، ۲۰/۱۸: قفطی، همانجا). او که حنفی مذهب بود، نسبت به آیین تسنن تعصب بسیار می‌ورزید (صریفی، ۵۱/۱: یاقوت، همان، ۱۸/۱۸)؛ اما تعصب در دین مانع از آن نبود که وی با زبانی زهر آگین به هجو مردمان پردازد. او در این کار چندان افراط می‌ورزید که هیچ کس، از گزند زبان‌ش در امان نبود. بجائی - چنانکه خود می‌گوید - هر کس را که می‌دید، نخست هجو وی در ذهنش نقش می‌بست (صریفی، همانجا؛ یاقوت، همان، ۱۸/۱۸: صفدی، ۱۹۷/۲).

بجائی خط نسخ را نیکو می‌نوشت و کتابهایی نیز به خط او در دست بوده است. عبدالغافر فارسی می‌گوید: بجائی نسخه‌ای از غریب‌الحديث ابو سلیمان خطابی را که خود نگاشته بود، به قصد سماع نزد پدر بزرگش عبدالغافر بن محمد، و برای تصحیح نزد ابوسعید ابن دوست قرائت کرد و می‌افزاید: نسخه‌ای به آن زیبایی و وضوح هرگز ندیده بوده است. همو در جای دیگر می‌گوید که نسخه‌ای از کتاب تیمه‌الدهر ثعالبی در ۵ جلد به خط زیبای وی دیده که به ۳۰ دینار نیشابوری - که بس کمتر از بهای واقعی آن بوده - به فروش رسیده است (نک: صریفی، ۵۱/۱-۵۲: یاقوت، همان، ۲۰/۱۸: قفطی، انباه...، ۶۷/۳).

بجائی در مدرسه سیوری در دروازه غزره از محلات نیشابور (یاقوت، بلدان، ۶۶۸/۳) زندگی می‌کرد و در غزنه وفات یافت (صریفی، ۵۲/۱: یاقوت، ادبا، نیز عبدالقادر، همانجا). او علاوه بر ادب، در حدیث نیز دستی داشته است (نک: یاقوت، همان، ۲۲/۱۸)؛ اما شهرتش به سبب آثار و تألیفات متعددی است که در جد و هزل تألیف کرده بود (صریفی، ۵۱/۱: یاقوت، همان، ۱۸/۱۸: قفطی، همان، ۶۶/۳). در مورد دیوان شعرش، یاقوت از قول محمد بن محمود نیشابوری در سرالسرور می‌گوید: شعرش بیش از ۲۰ هزار بیت است که در ۹ مجلد گردآمده (همان، ۲۶/۱۸-۲۷: نیز نک: صفدی، ۱۹۹/۲). علاوه بر این، باخرزی (۱۳۷۴/۲) و عبدالغافر فارسی (نک: یاقوت، همان، ۲۲/۱۸) دیوان او را دیده، و پسندیده بودند. آنچه امروزه از اشعار وی باقی مانده، ایبانی است بر آنکه که در منابع مختلفی چون دمیة القصر (باخرزی، ۱۳۷۶/۲)، تیمه التیمه (تعالی، همانجا)، معجم‌الادباء (یاقوت، همانجا) آمده است. بجائی علاوه بر شعر هجو که مایه شهرت او بوده، در رثا، غزل، وصف، مدح (تعالی، ۳۰/۲-۳۱) و خمریات و فخر (باخرزی، ۱۳۸۰/۲-۱۳۸۴) نیز شعر سروده بود.

دیگر آثاری که به وی نسبت داده‌اند، اینهاست: ۱. شرح دیوان بحرّی که یاقوت آن را بزرگ و سرشار از علم و فواید بسیار وصف می‌کند و می‌افزاید که جز این کتاب، اثری از بجائی نمی‌شناخته است (همانجا). ۲. نحو القلوب است (سمعانی، ۹۸/۲: ابن اثیر، ۲۳/۱: بغدادی، ۶۲۹/۲: کحاله، ۴۱/۹)، که هیچ اطلاعی از محتوایش در دست نیست. علاوه بر این، بغدادی اثر دیگری به نام بحر القلوب به وی نسبت داده (۱۶۵/۱) که شاید همان نحو القلوب باشد که تحریف شده است.

مآخذ: ابن اثیر، علی، اللباب، بغداد، مکیة المثنی؛ باخرزی، علی، دمیة القصر، به کوشش محمد تونجی، بیروت، ۱۹۷۱م؛ بغدادی، ایضاح؛ تعالی، عبدالملک، تیمه التیمه، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، تهران، ۱۳۵۳ش؛ سماعی، عبدالکریم، الانساب، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۳ق/۱۹۶۳م؛ صریفی، ابراهیم، تاریخ نیشابور (منتخب السیاق عبدالغافر فارسی)، به کوشش محمدکاظم محمودی، قم، ۱۳۶۲ش؛ صفدی، خلیل، الرافی بالرفیات، به کوشش س. ددریگ، ویسبادن، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م؛ عبدالقادر قرشی، الجواهر المضمیة، به کوشش عبدالفتاح محمدحلو، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م؛ غزی، تقی‌الدین، الطبقات السنیة فی تراجم الحنفیة، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکز قفطی، علی، انباه الرواة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۲ق/۱۹۵۵م؛ همو، المحمدون من الشعراء، به کوشش محمد عبدالعزیز، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۶م؛ کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، ۱۹۵۷م؛ یاقوت، ادبا؛ محمدعلی سلمانی مروتی، همو، بلدان.

بحارُ الأنوار، مشهورترین، مهم‌ترین و مفصل‌ترین اثر علمی محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ق/۱۶۲۸-۱۶۹۸ یا ۱۶۹۹م) که مجموعه‌ای گسترده از احادیث امامیه است و گاه «دائرة المعارف بزرگ احادیث شیعه» لقب گرفته است.

نام کامل این اثر بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار (ع) است. عزم مؤلف بر نگاشتن این کتاب از ۱۰۷۰ق/۱۶۶۰م، پس از نگارش کتاب فهرس مصنفات الاصحاب جزم شده است و اولین تاریخ ثبت شده در خود کتاب ۱۰۷۲ق است (نک: ۲۵۵/۱۰۳) و سواد نامه آن در ۱۱۰۴ تا ۱۱۰۶ق به پایان رسیده است، هر چند پاک نویسنده کتاب تا پس از فوت مؤلف و توسط شاگردان او همچنان ادامه داشته است (امین، ۱۸۳/۹: مشار، ۲۵/۲-۲۶: المعجم...، ۱۰۲/۱).

همزمان با کار ۳۶ ساله او، کتابهای مهم دیگر حدیثی شیعه نیز نگاشته شده است: نخست الوافی از مولی‌محسن فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ق/۱۶۸۰م) و دیگر وسائل الشیعة از محمدبن حسن حرعاملی (د ۱۱۰۴ق/۱۶۹۳م). شروع کار تألیف بحار الانوار در زمان شاه سلیمان اول صفوی (س ۱۰۷۷-۱۱۰۵ق) بود و اتمام کار به دوره سلطنت شاه سلطان حسین اول (س ۱۱۰۵-۱۱۳۵) برمی‌گردد. این در حالی است که مجلسی در ۱۰۸۹ق/۱۶۷۸م از طرف شاه سلیمان به شیخ الاسلامی منصوب شد (برای آشنایی با شرح وظایف و اختیارات منصب شیخ الاسلامی، نک: مارچنکوفسکی، ۳۲۸-۳۲۹) و پس از مرگ وی، شاه سلطان حسین نیز وی را در این سمت ابقا کرد (بحرانی، ۵۵).

پس از ورود محقق کرکی در ۹۱۶ق/۱۵۱۰م به ایران و ایجاد بستر

رسانده است (۶۷/۷-۹۸، ۲/۸-۱۷۳).

در مرحله بعدی، روایات متناسب با هر باب را در ذیل عنوان گنجانده، و سندهای آن را نیز با رعایت اختصار نقل کرده است. هدف او از این اختصار جلوگیری از برکردن و افزودن حجم ابواب یا مزین کردن کتاب است، اما آنها را به کلی حذف نکرده است تا تحلیل سند ناممکن نشود (۴۸/۱). آنگاه توضیحات و شرح خود را بر روایات نگاشته، و در این قسمت از نظرات دیگر صاحب نظران نیز یاری گرفته، و به نقل و گاه نقد اقوال آنان پرداخته است. وی در انتخاب روایات، اساس کار را بر تناسب کل یا جزء روایت با عنوان باب قرار داده است و البته آنجا که روایت را تقطیع کرده، وعده آوردن متن کامل آن را در جای دیگر داده است (مثلاً ۵۴/۶، ۱۱۸، ۱۵۲). این توضیحات او در ۱۰ جلد آخر کتاب دیده نمی‌شود؛ زیرا ۱۰ جلد آخر توسط شاگردش میرزا عبدالله افندی، یا به قولی توسط میر محمد صالح حسینی پاک نویسی شد و از سوادنامه به بیاض آمد، برای اینکه عمر مجلسی به انجام این کار کفاف نداده بود؛ هر چند برخی نیز این نظر تاریخی را نپذیرفته‌اند (همو، ۵/۴۱؛ بحرانی، ۵۷؛ تنکابنی، ۲۰۸، ۲۰۹؛ المعجم، ۷۶، ۷۵/۱).

وی برای اجرای چنین کار عظیمی از همکاران و شاگردان بسیاری کمک گرفته که در برخی منابع شمار آنها را بالغ بر هزار نفر دانسته‌اند (قمی، الکنی، ۱۴۷/۳) و کسانی چون میرزا عبدالله افندی، میر محمد صالح حسینی، ملا ذوالفقار، ملا محمد رضا، عبدالله بن نورالدین بحرینی، نعمت‌الله جزایری و آمنه‌خاتون خواهرش راجز و همکاران وی شمرده‌اند (المعجم، ۹۸/۱، ۹۹).

کار گروهی او که از ابتکارات تألیف به حساب می‌آید، شباهتی نیز به کار نگارش دائرة المعارف فلسفی توسط گروه اخوان الصفا دارد (سبحانی، ۳۶۰)؛ با این تفاوت که وی تسلط کامل و یک تنه بر همه مراحل کار داشت و شاگردانش فقط به جمع‌آوری و نگارش آیات و احادیث، ذیل عنوانهای طراحی شده توسط خود او می‌پرداختند و کلیه گزینشها از متن، سند، ... و همچنین تنظیم توسط خود وی صورت می‌گرفته است (المعجم، ۸۰/۷/۱).

ابتکارات تألیف بحار الانوار به همین اندازه محدود نمی‌شود؛ نوعی تفسیر موضوعی برای قرآن با بیش از ۹۰۰ موضوع اصلی و ۴۰۰ موضوع فرعی و سبک تبویب آن که گونه‌ای از فهرست موضوعی برای احادیث شیعی است، نیز قابل توجه است (سبحانی، ۳۵۵-۳۶۱؛ المعجم، ۸/۱؛ نیز نک: پاکچی، ۳۹-۴۸).

فهرست‌بندی و تبویب مجلسی از نقاط قوت و قابل تأمل در تألیف بحار الانوار است؛ وی در «فصل رابع» مقدمه کتابش (۷۹/۱-۸۰)، فهرست مجلدات ۲۵ گانه خود را عنوان می‌کند. این فهرست از لحاظ رده‌بندی و محتوای عناوین معرف مناسبی برای کار اوست. خود مؤلف عناوین «العدل و المعاد»، «ضبط تواریخ انبیاء و ائمه (ع)» و «السماء و العالم» را که مشتمل بر احوال عناصر و موالید و ... است، از ابتکارات منحصر به فرد کتاب خود که پیشینیان به آن نپرداخته‌اند،

تشکیل حکومتی شیعی، زمینه‌ای نیز برای رویکرد اخباری ایجاد شد که زیر بنای آن توسط ابن ابی‌جمهور احسایی (زنده در ۹۰۴ق) در رساله‌ای با عنوان العمل باخبار اصحابنا به وجود آمده بود و توسط میرزا احمدین علی استرآبادی (د ۱۲۰۸ق) و محمد امین استرآبادی (د ۱۲۰۳ق) ادامه یافت (نک: هـ، ۱۶۰/۷). این فضا تا نگارش الفوائد الحائریه توسط محمدباقر بهبهانی در ۱۲۰۸ق در رد الفوائد المدنیه محمد امین استرآبادی، همچنان جو چیره بر تفکر شیعی دوران خویش بوده است و این حکایت از آن دارد که شرایط حاکم بر حوزه‌های دینی آن زمان نگارش احادیث را می‌پسندیده، و فیض کاشانی و حرعاملی در همین فضا اقدام به تدوین مجموعه‌های حدیثی شیعه نموده‌اند. مجلسی نیز که خود گرایش هر چند معتدل اخباری داشت (مهاجر، ۱۵۱، بی؛ ملکی، ۲۶۱، بی)، به نگارش بحار الانوار پرداخت. چنانکه وی در جواب سؤالی که از او درباره حکما، فلاسفه، مجتهدین و اخباریون و فقها و صوفیه شده است، استفاده عقل را برای فهم احادیث، آن هم به شیوه حکما جایز نمی‌داند و خود را اخباری دور از افراط و تفریط در تقلید محض به عنوان درایت، یا اجتهاد آزاد بر اساس گرایشهای عقلی معرفی می‌کند (نک: زین‌العابدین شیروانی، ۶۱۸-۶۲۱).

مؤلف در مقدمه کتاب، عنوان می‌کند که پس از آشنایی و تفحص در علوم دیگر به این نتیجه رسیده که راهی برای علم جز در کتاب الهی و اخبار ائمه طاهرین (ع) وجود ندارد و راههای دیگر را هر چند بی‌بهره نمی‌داند، اما دور افتاده از مسیر معرفی می‌کند (۲/۱، ۳). مؤلف در جای دیگر این اثر، گرایش اخباری خود را نشان می‌دهد و حتی با مسائل و شبهات عقلی مطرح شده، به شیوه روایی برخورد می‌کند (۲/۲، ۳، ۳۱۴/۲، ۲۵۹/۱۱، ۲۵۴/۶۷) و جایی به صراحت نظر اخباریان را بهترین نظر در بحث بیان کرده است و ترک مسأله‌ای غامض را به دلیل عجز عقول بر احاطه به عمق آن، اولی می‌داند (۵/۲۶۰؛ برای نمونه‌هایی دیگر، نک: المعجم، ۸۴/۱، ۸۶).

اما آنچه مجلسی به عنوان انگیزه شخصی بیان می‌کند، حفظ آثار گذشتگان و جلوگیری از نابودی آنهاست، متونی که به واسطه غرض ورزی فاسدان، بی‌توجهی جاهلان، استیلای سلاطین گمراه و مخالف با اهل بیت (ع)، رواج علوم باطل و نیز کم‌اعتنایی به احادیث، در حال از بین رفتن بوده، و جامعه آن روز برای هدایت و استفاده به آنها نیازی مبرم داشته است (۳/۱-۴).

روش کار مجلسی هر چند به نظر می‌رسد نوعی برداشت از کارهای گذشته نیز باشد، اما ابتکارات شخصی نیز دارد. او ابتدا عناوین مجلدات کتاب خود را انتخاب می‌کرد و سپس برای هر عنوان بابیهایی می‌گشود. در ذیل هر باب پیش از هر چیز آیات قرآنی متناسب آن را فهرست می‌کرد که این کار او بسیار به کار الوافی فیض کاشانی نزدیک است. آنگاه برای هر آیه، تفسیری مناسب با استفاده از نظرات مفسران و توضیحات خود می‌نگاشت؛ این کار را از جلد ۵ به صورت جدی آغاز کرده، و در جزء ۷ و ۹ به مناسبت بحث توحید و صفات الهی به اوج خود

می‌داند (۵/۱).

عنوانهای کتب ۲۵ گانه اینهاست: کتاب العقل والجهل؛ کتاب التوحید و الصفات و الاسماء الحسنى؛ کتاب العدل و المشیة و الارادة و القضاء و القدر؛ کتاب الاحتجاجات و المناظرات؛ کتاب فی احوال الانبیاء و قصصهم؛ کتاب فی احوال نبینا الاکرم (ص) و احوال جمله من آباءه؛ کتاب فی مشترکات احوال الائمه (ع)؛ کتاب فی الفتن بعد النبی (ص)؛ کتاب فی احوال امیرالمؤمنین (ع) من ولادته الی شهادته؛ کتاب فی احوال سیده النساء (ع) و الامامین الهمامین الحسن المجتبی (ع) و ابی عبدالله الحسین (ع)؛ کتاب فی احوال الائمه الاربعه بعد الحسین (ع)؛ کتاب فی احوال الائمه الاربعه قبل الحجة المنتظر (ع)؛ کتاب فی احوال الحجة المنتظر (ع)؛ کتاب فی السماء و العالم؛ کتاب فی الایمان و الکفر، که در طرح اولیه مجلسی، این کتاب شامل ۱۰ بخش در آداب نیز بوده است، اما در هنگام تألیف این دو مبحث، جدا و به کتاب مستقل تبدیل شده است که برخی آن را جلد ۱۶ و برخی کتاب مستقلی با عنوان «کتاب العشرة» دانسته‌اند، بی‌آنکه در شمارش کتاب خللی وارد آید (نک: نوری، ۳۹-۴۰؛ آقا بزرگ، ۲۲/۳)؛ کتاب الزی و التجلل فی الآداب و السنن؛ کتاب الروضة؛ کتاب فی الطهارة و الصلاة؛ کتاب فی فضائل القرآن و الذکر؛ کتاب فی الزکاة و الصدقة و الخمس و الصوم؛ کتاب فی الحج و العمرة، شامل جهاد، امر به معروف و نهی از منکر؛ کتاب فی المزار؛ کتاب فی العقود و الایقات؛ کتاب فی الاحکام الشرعیة؛ کتاب فی الاجازات.

علاوه بر حجم قابل ملاحظه روایات، انتخاب موضوعات متنوع نیز، اهمیت و ارزش بحار الانوار را بالا برده است، چنانکه دیده می‌شود، مباحث اعتقادات، احکام، جهان غیب، اخلاق و آداب و حتی طبیعیات و علوم طبیعی، تاریخ و فرهنگ شیعه و ادبیات عامیانه آن و... از چشم او دور نمانده است. مؤلف همچنین در مباحث فقهی، به مسائلی که مردم بدان احتیاج مستمر داشته‌اند و مورد پرسش بوده، حجم بیشتری اختصاص داده است (نک: ۳۲۷/۸۰، ۲۳۱/۸۲، ۲۵۸/۸۸) که همه اینها شناخت کافی او از مقتضیات عمومی جامعه را می‌رساند.

تنوع موضوعی از سویی و هدف اصلی مؤلف برای حفظ میراث شیعه از سویی دیگر، او را واداشته تا از منابع بسیار و متنوعی استفاده کند که به یقین از حیث آمار کم‌نظیرترین مجموعه حدیثی تألیف شده است. بجز این آمار، تنوع فراوانی هم در موضوعات منابع دیده می‌شود. هر چند منابع او بیش از همه جنبه حدیثی و فقهی دارند، اما موضوعات تفسیری، تاریخی، کلامی و ادبی، لغت، سیاست مدن، اخلاق و حتی علوم طبیعی، پزشکی، نجوم و ریاضی، جغرافیا و... نیز در منابع او یافت می‌شود. کوشش فراوان او برای جمع آوری منابع زبان زد شده است. بنا به روایتی برای به دست آوردن کتاب مدینه العلم ابن بابویه که تصور می‌شد در یمن وجود دارد، گروهی را با هدایای فراوان به سراغ حاکم آنجا می‌فرستد تا کتاب را به دست آورد (نوری، ۲۳).

مؤلف خود در آغاز کتاب (۶/۱-۲۴) ابتدا منابع شیعی خود، بیش از

۳۸۷ اثر از ۲۵ نویسنده را معرفی می‌کند و سپس به سراغ منابع اهل سنت می‌رود که برای حجت آوردن یا رد کردن یا نقد کردن یا تمییز فایده و تأیید روایات شیعی مورد استفاده قرار داده، و شمار آنها به ۸۵ منبع بالغ شده است (۲۴/۱-۲۵)؛ و سپس برای تصحیح الفاظ یا تعیین معانی به سراغ کتب لغت یا شروح اخبار عامه می‌رود و ۲۰ کتاب لغوی و ۱۳ کتاب شرح را برمی‌شمارد، هر چند این تنها منابع وی نیست و او به صراحت منابعی را نیز در حین کار معرفی می‌کند (۲۴/۱)، به گونه‌ای که مجموعه کتب مورد استفاده او به حدود ۶۳۰ می‌رسد.

در فصل دوم مقدمه‌اش (۳۶/۱-۴۸) به بیان وثوق و اختلاف نسخ منابع می‌پردازد و به صراحت بیان می‌کند که آنچه را به نظر خودش وثاقت داشته، و از لحاظ متن و سند بی‌اشکال بوده، در کتابش آورده است. شاگردان او نیز این نظر را تأیید می‌کنند. چنین نظری با دیدگاه رایج که هدف مجلسی را صرفاً گردآوردن مجموعه‌ای حدیثی بدون اعتبار صحت اسناد و متن می‌داند (مثلاً نک: دوانی، ۶۱)، در تضاد است. گفتنی است که مؤلف در مواردی نیز برخی احادیث را به عنوان حدیث ضعیف یا غیرقابل اعتماد معرفی می‌کند (۱۰/۱، ۳۵۶/۱۲، ۴۴۷/۱۴، ۳۵۷/۱۵، ۴۱۴، ۷۷/۱۸، جم).

جالب توجه اینجاست که درباره روایات غریب که پذیرش صحت متن آنها در مرحله اول دشوار به نظر می‌رسد، به توجیه و تأویل پرداخته است، در حالی که اگر صدور آن را نمی‌پذیرفت، طبعاً نقلشان نمی‌کرد (المعجم، ۸۱/۱). البته هیچ یک از این موشکافیه‌ها، نقش کار او در جلوگیری از تحریف و برساختن احادیث جدید را در حوزه روایی شیعه انکار نمی‌کند (رحمان ستایش، ۲۵۴-۲۵۵). نقدهای فراوانی - علاوه بر تأییدات بی‌شماری که بر کار اوست - پیرامون کتاب او را گرفته است و این نظرات یا به ضعف احادیث، یا به کم فایده و پراشتباه بودن توضیحات او بر می‌گردد (آشتیانی، ۹۲۸؛ امین، ۱۸۳/۹).

برای بررسی جایگاه بحار الانوار در دورانه‌های پس از مجلسی، توجه به نکاتی لازم است:

اول، استفاده محدود مؤلف از کتب اربعه شیعه است که او هدف خود را در این باره حفظ و خارج نشدن آنها از حوزه‌های علمی جهان تشیع اعلام می‌کند (۴۸/۱) و همین، اهمیت کتاب او را از لحاظ فقهی کم کرده، و به رغم اینکه در دیگر زمینه‌ها سیطره کامل و بسیار واضحی در حوزه فرهنگ تشیع پس از خود پیدا کرده، در مباحث فقهی، مرجع متداول محسوب نشده است.

دوم، استفاده از نهج البلاغه نیز اندک است، هر چند صاحب ریاض العلماء، قائل به عدم استفاده مؤلف از نهج البلاغه می‌شود (افندی، ۳۹/۵). خود مجلسی نهج البلاغه را به عنوان منبع معرفی می‌کند و از آن بهره می‌جوید. با اینهمه، این سخن نیز صحیح است که بسیاری از احادیث نهج البلاغه از طریق منابع دیگری در کتاب او آمده است.

سوم، نوع تحلیلی و توضیحاتی که درباره احادیث می‌دهد، در فضایی اخباری صورت می‌گیرد و حتی آنجا که با مسائل عقلی برخورد

از آقا رضی بن محمد نصیرین مولیٰ عبدالله (همو، ۸۱/۴، ۲۰/۳؛ نوری، ۶۰): ۹۷. ترجمه ج ۱۰، از میر محمد عباس تستری لکهنوی و محمد علی مازندرانی (آقا بزرگ، ۲۰/۳، ۱۱۵/۴؛ نوری، ۵۸)، و ترجمه حسن هشترودی (همو، ۶۰): ۱۱۹. ترجمه فارسی ج ۱۳، از علی اکبر ارومی و حسن بن محمد ولی ارومی (آقا بزرگ، ۲۱/۳، ۹۲/۴)، و ترجمه دیگری از علی اکبر ارومی (نوری، ۵۸) و نیز ترجمه دیگری از علی دوانی با عنوان مهدی موعود که در تهران (۱۳۴۵ش) به چاپ رسیده است: ۱۲. ترجمه ج ۱۴، با عنوان السماء والعالم، از آقا نجفی اصفهانی (آقا بزرگ، ۲۱/۳، ۲۲-۱۰۷/۴)؛ ۱۳. ترجمه ج ۱۷، با عنوان حقایق الاسرار (همو، ۲۴/۳).

خلاصه‌ها و گزیده‌ها: ۱. در البحار الملقب بنور الانوار، منتخب بحار الانوار، از نورالدین محمد بن مرتضیٰ اخباری که در ۱۰۸۰ ق مشغول نوشتن آن بود (نوری، ۵۸-۵۹): ۲. مختصر ج ۷، توسط آقا رضی بن محمد نصیرین مولیٰ عبدالله (همو، ۶۰؛ آقا بزرگ، ۱۹/۳): ۳. جنة المأوی، از میرزا حسین نوری، در استدراک ج ۱۳، مشتمل بر داستانهای در باب رؤیت حضرت حجت (ع): ۴. جوامع الحقوق، منتخب کتاب العشرة (آقا بزرگ، ۲۲/۳، ۲۴۹/۵): ۵. مختصر ج ۲۲ (کتاب المزار) جمعی از فضلی استرآباد (نوری، همانجا؛ آقا بزرگ، ۲۵/۳): ۶. بحار الانوار فی التفسیر المأثور للقرآن از کاظم مرادخانی، که تنظیم مجدد مباحث تفسیری این کتاب است، بر اساس آیات قرآنی (چ تهران، ۱۴۱۱ ق).

مقایسه‌ها و راهنماها: ۱. الشافی فی الجمع بین البحار والوافی، از محمدرضا ابن عبدالمطلب تبریزی، در ۷ جلد با حذف مکررات هر دو کتاب که کاری مقایسه‌ای میان وافی فیض کاشانی و بحار الانوار است (همو، ۲۷/۳؛ قمی، فوائد...، ۵۳۲): ۲. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، اثر شیخ عباس قمی (چ تهران، فراهانی): ۳. مستدرک سفینه البحار، از علی نمازی شاهرودی (چ تهران، ۱۴۰۹ ق): ۴. التطبيق بین السفینه و البحار، اثر جواد مصطفوی (چ مشهد، آستان قدس): ۵. دلیل الآیات المفسرة و اسماء السور فی احادیث بحار الانوار (چ قم، ۱۴۱۲ ق): ۶. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار (چ قم، ۱۴۱۳ ق): ۷. المعجم المفهرس لالفاظ ابواب البحار، از کاظم مرادخانی (چ تهران، ۱۳۶۵ش): ۸. المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، از علی‌رضا برازش (چ تهران، ۱۳۷۳ش): ۹. معرفی و روش استفاده از بحار الانوار، از حسن صفری نادری (چ تهران، ۱۳۶۷ش): ۱۰. مستدرک البحار، نگاشته خود علامه مجلسی که فهرست کامل‌تری بر ابواب و کتب بحار است (نوری، همانجا).

چاپها: از بحار الانوار ۳ چاپ اصلی سنگی صورت گرفته است: اولین آنها در هند (۱۲۴۸ ق) که شامل یک جلد از این کتاب بوده است. دیگری در تبریز، در فاصله سالهای ۱۲۷۵ تا ۱۳۳۲ ق که یک دوره کامل را در بر می‌گرفته است و سرانجام چاپ مشهور به کمپانی در تهران به‌کوشش محمد حسین کمپانی، امین دارالضرب تهران، در فاصله

می‌کند، با استفاده از ابزار کلام، یعنی استناد به نقل و ظواهر، آن را نقد می‌کند، نه با استفاده از ابزار عقلی؛ هر چند این خود نوعی درایت به حساب می‌آید، اما مخالفت با عقل‌گرایی و فلسفه در جای جای آثار او دیده می‌شود. وی در کتاب خود (۶۳/۸) وعده نوشتن کتابی مستقل بر ضد فیلسوفان با عنوان فی نقد کلمات الفلاسفة لاصول الشرایع را داده است. او بر آن بود که مسائل عقلی را در کتاب نیاورد (۳۴۷/۲۷، ۱۳۳/۳۵، ۳۱۳/۵۱، ۳۰۹/۶۸). اما به مناسبت‌هایی متعرض مسائل عقلی نیز شده است (ن: ۲۰۳/۱۱، نیز ۱۰۸/۳۵، ۲۳۳/۵۷، ۳۱۱/۵۸). تنقید او به ظواهر دینی و احادیث منقول، نه تنها در کتابش، که در سیاست مدنی او نیز بازتاب داشته، و برای همین، مخالفت با فلاسفه، طرد صوفیه و تضییق بر اقلیتهای دینی در کارنامه فعالیت‌های اجتماعی مؤلف ثبت شده است (بحر العلوم، ۴۰). در عین حال، در حیطه دیدگاه خود با جرات و شهامت خاصی علاوه بر اشاره بر آراء و اقوال فقها و سایر دانشمندان و اشاره به علوم اوایل و...، شدیداً آنها را نقد می‌کند، هر چند نقد او از نوع شرح لغت و وصف حالت است، نه از نوع تدبیرات عقلی مصطلح، همراه با حفظ احتیاط و رعایت علما، و بیشتر در صدد تصحیح و توجیه برآمده است و تعارضها را از این می‌داند که عقل ما بدان نمی‌رسد (المعجم، ۷۷-۷۵/۱).

از گرایشهای دیگر مؤلف در این کتاب، پاسداری از حریم معتقدات شیعه و تثبیت جایگاه بزرگان مذهب است؛ نمونه این نوع تلاش بیش از همه در شرح زندگانی حضرت فاطمه زهرا (ع) یا در شرح خطبه شششنبه پیداست (چ کمپانی، ۱۰۵/۸-۱۳۶، ۱۶۱). مسأله تنقیه نیز از مواردی است که توجه او را به صورت خاص به خود جلب کرده است (۱۳۸/۸، ۱۳۰/۷۲، ۳۹۳/۷۵، ۴۴۱).

جایگاه خاص بحار الانوار در فرهنگ تشیع، بالاخص حوزه ایرانی آن باعث شده که کارهای فراوانی چه به فارسی و چه به عربی درباره آن صورت گیرد. در یک دسته بندی کلی می‌توان این فعالیتها را معرفی کرد:

تعلیقات و تصحیحات: تعلیق خود او بر بخشهایی از کتاب (مانند ۹۸/۸، ۹۲/۸، ۱۰۰، ۱۰۷، ۲۰۹) و در عصر حاضر تعلیقات و توضیحات از سوی علامه طباطبائی (در بحث اطلاقات عقل، ۱۰۰/۱ و تجرد عقول، ۱۰۴/۱) و دیگران چون ربانی شیرازی، مصباح یزدی، بهبودی، غفاری صفت، مسترجمی، موسوی میانجی، خرسان، عابدی و زنجانی که در این میان بهبودی جمع بیشتری از تصحیحات را به خود اختصاص می‌دهد.

ترجمه‌ها: ۱. ترجمه ج ۱، شاهزاده سلطان محمد بلند اختر هندی (آقا بزرگ، ۸۲/۴): ۲. ترجمه ج ۲ با عنوان جامع المعارف (همو، ۱۸۸/۳): ۳. ترجمه فارسی ج ۶ (همو، ۱۰۷/۴): ۴-۵. ترجمه ج ۸ (کتاب الفتن) از محمد نصیرین مولیٰ عبدالله، برادر زاده مجلسی (نوری، ۵۷)، و ترجمه دیگری از همان کتاب با عنوان مجاری الانهار از محمد مهدی ابن محمد شیخ استرآبادی (آقا بزرگ، ۲۰/۳، ۶۲/۴): ۶. ترجمه ج ۹.

سالهای ۱۳۰۳ تا ۱۳۱۵ (مشار، ۲۶/۲-۳۱). دو دوره جدید ۱۱۰ جلدی نیز از آن به چاپ رسیده است، یکی در ایران (تهران، ۱۳۷۶ق) و دیگری به صورت افست در بیروت (مؤسسه الوفاء و داراحیاء التراث العربی). چاپ اخیر بارها در قالب نرم افزارهای گوناگون نشر الکترونیکی شده است (سرخه‌ای، ۳۷۳ب).

مآخذ: آشتیانی، جلال‌الدین، شرح مقدمه قصری بر فصوص الحکم، تهران، ۱۳۷۰ش؛ آقا بزرگ، الذریعة؛ افندی، عبدالله، ریاض العلماء، قم، ۱۴۰۱ق؛ امین، محسن، اعیان الشیعة، بیروت، دارالعارف؛ بحرانی، یوسف، لؤلؤة البحرین، قم، مؤسسه آل‌البیت؛ بحر العلوم، محمد، «تدوین الحديث عند الامامية: المجلسی فی بحاره»، یادنامه مجلسی، تهران، ۱۳۷۹ش، ج ۳؛ پاکچی، احمد، «ویژگیهای رده‌بندی موضوعی بحار الانوار و فرآیند شکل‌گیری آن»، همان، ج ۱۱؛ تنکابنی، محمد، قصص العلماء، تهران، کتابخانه اسلامی؛ دوانی، علی، مهدی موعود، تهران، ۱۳۴۵ش؛ رحمان ستایش، محمد کاظم، «جوامع حدیثی شیعه و بحار»، یادنامه مجلسی (نک: هم، پاکچی)؛ زین العابدین شیروانی، ریاض السیاحة، تهران، ۱۳۳۹ق؛ سبحانی، جعفر، «ابتکارات علامه مجلسی»، (نک: هم، پاکچی)؛ سرخه‌ای، احسان، «بررسی نرم افزارهای مرتبط با بحار الانوار»، همان؛ قمی، عباس، الکئی و الانقلاب، تهران، ۱۳۹۷ق؛ همو، فوائد الرضویة، تهران، ۱۳۲۷ش؛ مارچنکو-فسکی، محمداسماعیل، «علامه مجلسی و منصب شیخ الاسلامی»، یادنامه مجلسی (نک: هم، بحر العلوم)؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ق؛ همو، همان، ج ۸، ج کمپانی، تهران، ۱۳۰۳-۱۳۱۵ق؛ مشار، خانبابا، فهرست کتابهای جایی فارسی، تهران، ۱۳۵۰ش؛ المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحار الانوار، قم، ۱۴۱۳ق؛ ملکی میانجی، علی، «علامه مجلسی، اخباری یا اصولی»، یادنامه مجلسی، تهران، ۱۳۷۹ش، ج ۲؛ مهاجر، جعفر، «لماذا ألف المجلسی بحار الانوار»، یادنامه مجلسی (نک: هم، بحر العلوم)؛ نوری، حسین، «الفيض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی»، همراه ج ۱۰۲ بحار الانوار (نک: هم، مجلسی).

مهدی مطیع

بُخْتَری، ابوعباده ولید بن عُبَید (د ۲۸۴/۸۹۷م)، یکی از بزرگ‌ترین شاعران عرب. او به احتمال بسیار در ۲۰۶/۸۲۱م در مَشِیج (نزدیک حلب) زاده شد. بختر که نسبت به بختری از آن گرفته شده است، نام یکی از نیاکانش بود که به قبیله بزرگ طی تعلق داشت (ابن خلکان، ۲۹، ۲۱/۶) و از همین‌جاست که وی به اجداد یمنی خود نازیده است. وی نخستین درسها را در زادگاه خود، و سنتها و لغات بدویان را در میان طایبان آموخت و زود به شعر سرایی رو آورد و گفته‌اند که در بازار شهر، پیافروشان و بادنجان فروشان را مدح می‌کرد (همو، ۲۱/۶-۲۲).

بزرگ‌ترین و شاید کارسازترین حادثه روزگار نوجوانی او، آشنایی و پیوند استوار با ابوتمام (د ۲۳۱/۸۴۶م) است. روایات در این باره البته متعدد، افسانه‌آمیز و گاه متناقضند؛ آنچه صولی از قول خود او نقل کرده است (اخبار ابی تمام، ۶۶)، معقول‌تر به نظر می‌رسد: شاعران عرب در جمعی به خدمت ابوتمام می‌رفتند و شعر خود را به او عرضه می‌کردند. چون بختری نزد او رفت، پسند خاطر او افتاد: چندان که برای نجات او از تنگدستی، نامه‌ای به مردم مغرة النعمان نوشت تا یاریش کنند. مردم معره نیز ۴ هزار درهم برایش مقرر نهادند؛ و این نخستین درآمد او از شعر بود (نک: ابوالفرج، ۱۶۹/۱۷؛ ابن خلکان، ۲۲/۶). در روایت دوم که ممکن است ساخته طرقدارانش باشد، وی را در

خدمت ابوسعید ثغری، یکی از سرداران مشهور عرب می‌یابیم که قصیده‌ای در مدح او می‌خواند. ابوتمام ادعا می‌کند که شعر از آن اوست و بختری آن را سرقت کرده است؛ اما پس از چندی سرگردانی، امیر او را باز می‌خواند و واقعیت امر را که شوخی بیش نبوده است، به او می‌گوید. از آن پس دوستی میان دو شاعر استوار می‌گردد (ابوالفرج، همانجا؛ آمدی، ۱۳-۱۲؛ صولی، همان، ۱۰۵-۱۰۶؛ ابن خلکان، ۲۲/۶-۲۳).

روایت سوم نیز از نوع روایت دوم است. همان امیر از او که قصد خواندن مدحیه داشت، می‌پرسد که آیا آن‌قدر گستاخی دارد که در حضور ابوتمام شعر بخواند. او با اطمینان تمام شعر خود را می‌خواند و سخت مورد عنایت ابوتمام قرار می‌گیرد (ابوالفرج، ۱۷/۱۷۰).

در هر حال، بختری که نخست به قول خود بر طبع و ذوق تکیه داشت (نک: حصری، ۱۱۰/۸-۱۱۱)، به یاری ابوتمام از فنون شعر و شایسته‌ترین شیوه‌ها برای موفقیت در کار مدح نیز آگاهی‌یافت (برای نوع سفارشهای او به شاعر جوان، نک: همانجا؛ ابوالفرج، ۱۷۲/۱۷-۱۷۳) و به همین سبب، پیوسته مقام استاد خود را ارج می‌نهاد و نزد همگان به فضیلت او اعتراف می‌کرد (همو، ۱۶۸/۱۷-۱۶۹، ۱۷۲-۱۷۳).

نام نخستین و تنها زنی که به غیر از نام معاشیق معروف عرب چون لیلی، سلمی و... در زندگی او ظاهر شده است، به همین دوران تعلق دارد. زمان دیدار با این زن را نیز در اثنای نخستین سفر از منبج به سوی حمص نهاده‌اند، زیرا شاعر ناچار بود از شهر حلب، شهر غلوه بگذرد. علوه دختر زنی زُرَیقه نام ظاهراً از طبقات پایین اجتماع حلب بود (بدوی، حیاة...، ۵۶؛ نیز نک: بختری، دیوان، ۳۷۶).

بختری بی‌گمان نخستین شعرهای جدی خود را با مدح ابوسعید ثغری آغاز کرد و اولین قصیده او، یا آن است که با قافیه «قا» سروده شده است (ابن خلکان، ۲۲/۶؛ آمدی، ۱۲؛ نیز نک: بختری، همان، ۱۴۵۰-۱۴۶۰). یا قصیده‌ای با قافیه «عا» (آمدی، ۱۳؛ بختری، همان، ۱۲۵۳-۱۲۵۶) که در آن به پیروزی امیر بر بابک خرم‌دین اشاره شده است (نک: همان، ۱۲۵۵، بیت‌های ۲۵ به ۲۲۰). یا پیروزی اول در ۲۲۰ق، یا پیروزی نهایی در ۲۲۲ق، همان، ۱۴۵۰-۱۴۶۰). بنابراین، شاعر باید بسیار جوان، یعنی بین ۱۴ تا ۱۷ سالگی بوده باشد. وی تا پایان عمر ابوسعید، و نیز پسرش یوسف، به آنان وفادار ماند و ۲۳ قصیده در مدح ابوسعید و خاندانش سرود (نک: مقدسی، ۲۰۵). این اشعار بیشتر گرد دلاوریهای این پدر و پسر در جنگهای مرزی، ارمستان و بیزانس دور می‌زند و ارزش تاریخی فراوان دارد (درباره رثای پر شور بر ابوسعید و پسرش، نک: یطی، ۱۵۹-۱۶۵؛ بختری، همان، ۱۹۴۹-۱۹۵۲، ۲۱۸۱-۲۱۸۵).

محیط شام دیگر برای شاعر جوان و تنگدست و جهان‌پرست البته تنگ بود و می‌بایست به عراق رو آورد؛ اما فضای عراق رو به پریشانی نهاده بود. متوکل (حک ۲۳۲-۲۴۷/۸۴۷-۸۶۱م) با همه قدرت، چنان از دست ترکان به تنگ آمده بود که خواست پایتخت را از سامرا به دمشق